

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی مقتیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • فاکس: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی: • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های ایران و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارندۀ گواهینامه ایروا ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳



روایت پرویز مشکاتیان از تصنیف «وطن من»

یک چیزِی در نهانخانه ذهنی هر ایرانی هست و آن ایران است و برای آن جانفشانی می‌کنند، آهنگ می سازند و اشک می ریزند و به موقع شمشیر می‌کشند. ایرج بسطامی زمانی که تصنیف وطن من را خواند، اشک من درآمد؛ از آن زیباتر نمی‌شد خواندن. حق مطلب را در ادا کرد به خاطر اینکه از ایران صحبت می‌شد. او جس می‌کرد که «ای خطه ایران ای وطن من یعنی چی؟» برای همین با آن شکوه و آن عظمت خواند. البته شکوه و عظمت را حس کردن مقوله‌ای است و توانایی اجرا داشتن چیز دیگری است. ولی ایرج بسطامی توانایی این اجرا را هم داشت و تنها افتخار من در زندگی این است که این اثر از طرف سازمان ملی یونسکو به عنوان سرودی رسمی انتخاب شد؛ البته به سازمان یونسکو کاری ندارم ولی به ایرج و ملک‌الشعرا یبهار و ایران خیلی کار دارم.

گزیده‌ای از صحبت‌های پرویز مشکاتیان نوازنده و آهنگساز نامدار ایرانی به بهانه سالروز درگذشت این هنرمند(۳۰ شهریور)



با حضور مدیران فرهنگی و هنرمندان در تالار فردوسی

موزه عروسکی ماریونت ثبت ملی شد



عکس ها: حسین نقی زاده / ایران

گزارش

حامد قربب

گروه فرهنگی

آیین بازگشایی و ثبت ملی موزه عروسکی ماریونت تالار فردوسی با حضور جمعی از مدیران فرهنگی، هنرمندان و فعالان تئاتر عروسکی برگزار شد؛ موزه‌ای که به گفته معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تنها محلی برای نگهداری اشیای نیست، بلکه بخشی از حافظه هنر معاصر ایران را در خود جای داده و می‌تواند به مرکزی زنده برای آموزش، پژوهش، مستندسازی و معرفی هنر ایران تبدیل شود.

آیین بازگشایی و ثبت ملی موزه عروسکی ماریونت تالار فردوسی، شنبه ۲۸ شهریورماه، با حضور مهدی شفيعی معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد الهیاری مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی، اتابک نادری مدیرکل هنرهای نمایشی، لیلا خسروی مدیرکل امور موزه‌های کشور، بهروز غریب‌پور نویسنده و کارگردان پیشکسوت و سرپرست گروه تئاتر عروسکی «آران»، علیرضا گیلوری مدیرعامل خانه تئاتر، پوپک عظیم‌پور تیریزی دبیر جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران، مبارک و جمعی از مسئولان و هنرمندان در تالار فردوسی بنیاد رودکی برگزار شد.

در این مراسم، بهروز غریب‌پور با اشاره به بازگشایی دوباره موزه عروسکی ماریونت، این مجموعه را حاصل بیش از دو دهه فعالیت

داشت. «در درباره شیوه جدید بازدید از موزه نیز توضیح شده است که بخش عمده‌ای از عروسک‌های گروه در معرض دید عموم قرار گیرد.» او با تأکید بر ظرفیت آموزشی موزه‌ها اظهار کرد: «امیدوارم پس از ثبت ملی این موزه، دانشجویان، دانش‌آموزان و علاقه‌مندان بتوانند از این مجموعه بازدید کنند و با ظرفیت‌های مختلف هنر عروسکی آشنا شوند.»

غریب‌پور با بیان اینکه موزه‌ها می‌توانند نقش مهمی در انتقال فرهنگ و آموزش داشته باشند، افزود: «در طول ۲۳ سال فعالیت گروه، ده‌ها هنرمند و علاقه‌مند، آموزش دیده و روی صحنه رفته‌اند و تلاش شده است گنجینه ادبیات و فرهنگ ایران، از جمله آثار فردوسی، عطار، حافظ، مولانا و سعدی، از طریق هنر عروسکی به مخاطبان معرفی شود.»

به گفته او، حدود ۸۰۰ عروسک در این موزه به نمایش درآمده است، اما همچنان صدها قطعه دیگر برای نمایش وجود دارد که به دلیل محدودیت فضا امکان ارائه همه آنها فراهم نشده است.

این کارگردان پیشکسوت، شکل‌گیری موزه را نتیجه همکاری و همراهی مدیران، هنرمندان و عوامل فنی دانست و از تمامی افرادی که طی سال‌های فعالیت گروه در تولید آثار و شکل‌گیری این مجموعه نقش داشته‌اند، قدردانی کرد.

غریب‌پور همچنین بر ضرورت انتقال تجربه به نسل جدید تأکید کرد و گفت: «در راستای این هدف، نسل جوان‌تر در هدایت و راه‌نمایی موزه و فعالیت‌های آن مشارکت خواهند

موزه: حافظه هنر معاصر ایران

در ادامه این مراسم، معاون امور هنری وزیر

فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اهمیت این رویداد گفت: «امروز برای گشایش یک موزه گرد هم آمده‌ایم، اما در حقیقت اتفاقی فراتر از افتتاح یک فضای فرهنگی در حال رخ دادن است زیرا امروز بخشی از حافظه هنر معاصر ایران گشوده می‌شود.»

شفیعی افزود: «موضوع فقط ایجاد جایی برای نگهداری اشیای نیست. موزه حافظه یک ملت است؛ جایی که گذشته در آن پایان نمی‌یابد، بلکه می‌تواند به آینده متصل شود.»

او با اشاره به عروسک‌های موجود در این مجموعه اظهار کرد: «چه زیباست که این حافظه با عروسک‌هایی شکل گرفته که روزگاری بر صحنه جان گرفته‌اند، روایت کرده‌اند و بخشی از تاریخ هنر و فرهنگ ایران را برای مخاطبان روایت کرده‌اند. هر عروسک، لباس، نشانه صحنه و شیء موجود در این مجموعه، بخشی از داستان یک دوره از هنر ایران است.»

معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، موزه عروسکی ماریونت را از منظر تاریخ تحول هنر عروسکی ایران نیز حائز اهمیت دانست و گفت: «استاد بهروز

غریب‌پور سال‌ها پیش، زمانی که بسیاری نمایش عروسکی را در حاشیه هنرهای نمایشی می‌دانستند، ظرفیت‌های بزرگ این هنر را باور کرد و عروسک را به عرصه روایت فرهنگ و ادبیات ایران آورد.»

او ادامه داد: «شاهنامه، مولانا، خیام، حافظ، نظامی و عاشورا در تجربه هنری غریب‌پور به صحنه آمدند و عروسک‌ها توانستند با شعر، موسیقی و ادبیات فارسی با مخاطبان وارد گفت‌وگو شوند.» تجربه گروه تئاتر عروسکی «آران» نیز در همین مسیر از یک گروه نمایشی به یک جریان هنری شناخته‌شده تبدیل شد. شفيعی ارتباط میان میراث فرهنگی و زبان معاصر هنر را یکی از ویژگی‌های مهم این تجربه دانست و گفت: «تجربه استاد غریب‌پور نشان می‌دهد چگونه می‌توان میراث را حفظ کرد، بدون آنکه آن را به موضوعی بی‌ارتباط با زندگی امروز تبدیل کنیم. او به جای آنکه صرفاً میراث را بازگو کند، آن را با زبان موسیقی و نمایش عروسکی بازآفرینی کرده است؛ این همان چیزی است که از آن به عنوان «میراث زنده» یاد می‌کنیم؛ میراثی که فقط حفظ نمی‌شود، بلکه دوباره خلق می‌شود.»

تأکید بر ثبت و مستندسازی میراث هنری



معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه ثبت ملی موزه نیازمند پایان مسیر باشد، گفت: «این موزه می‌تواند به یک مرکز زنده فرهنگی و هنری تبدیل شود؛ مرکزی برای پژوهش، آموزش، مستندسازی و گفت‌وگو میان هنرمندان و نسل جوان.»

او با اشاره به ضرورت ثبت تجربه‌های هنرمندان افزود: «در کشور ما هنرمندان بزرگی حضور داشته‌اند که آثارشان ماندگار شده، اما بخشی از فرآیند آفرینش، اسناد و تجربه‌های آنان متأسفانه از میان رفته است. اگر می‌خواهیم تاریخ هنر ایران را برای آیندگان روایت کنیم، باید امروز آن را ثبت کنیم.» شفيعی، موزه‌ها، آرشيوها و مراکز اسناد هنری را از زیرساخت‌های حافظه فرهنگی کشور دانست و گفت: «تجربه استاد غریب‌پور در هنر عروسکی از منظر دیپلماتی فرهنگی و آشنایی مخاطبان غیرایرانی با بخشی از جهان فرهنگی ایران نیز اهمیت دارد.» او در پایان ابراز امیدواری کرد موزه عروسکی ماریونت به مرکزی برای آموزش نسل جوان، پژوهش، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و معرفی هنر ایران تبدیل شود و تجربه این موزه الگویی برای ثبت و نگهداری میراث دیگر هنرمندان و گروه‌های اجرایی است و بخشی از تجربه معاصر هنر عروسکی ایران را در قالب تالار فردوسی در حالی برگزار شد که این مجموعه اکنون حدود ۸۰۰ عروسک را در معرض دید مخاطبان قرار داده است؛ مجموعه‌ای که حاصل بیش از دو دهه فعالیت هنری گروه تئاتر عروسکی «آران» و تلاش شمار زیادی از هنرمندان و عوامل اجرایی است و بخشی از تجربه معاصر هنر عروسکی ایران را در قالب یک مجموعه موزه‌ای ثبت و روایت می‌کند. در بخش پایانی این مراسم بخشی از اجرای عروسکی «عشق» به نویسندگی و کارگردانی بهروز غریب‌پور در تالار فردوسی اجرا و همچنین پس از این اجرا شرایط برای بازدید کامل حاضران از پشت صحنه نمایش و موزه ماریونت مهیا شد.



آیین بازگشایی و ثبت ملی موزه عروسکی ماریونت تالار فردوسی در حالی برگزار شد که این مجموعه اکنون حدود ۸۰۰ عروسک در معرض دید مخاطبان است

پیامبر اکرم (ص):

هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود و غمش از بین برود، باید گره از کار تنگ‌دستی باز کند.

سخن‌روز



بازگشت «برد پیت» با یک جنگ جهانی

برد پیت برای بازی در دنباله فیلم «جنگ جهانی زد» (World War Z) به کمپانی پارامونت بازمی‌گردد. اودارد برگه، ساخت این فیلم را بر عهده خواهد داشت. فیلم اصلی «جنگ جهانی زد» که بر اساس رمان پرفروش سال ۲۰۰۶ نوشته مکس بروکس با عنوان «جنگ جهانی زد: تاریخ شفاهی جنگ زامبی‌ها» ساخته شد، بیش از ۵۴۰ میلیون دلار در گیشه جهانی فروش داشت. این فیلم به کارگردانی مارک فورستر ساخته شد و برد پیت در آن نقش جری لین، کارمند سابق سازمان ملل متحد را بازی کرد. **ایسنا**



تحلیل فرهنگی روز

رضاصانی

دبیر گروه فرهنگی

به بهانه یک انتصاب فرهنگی

اقتصاد فرهنگ؛ ضرورت امروز



انتصاب علی دارابی به ریاست کمیته تخصصی اقتصاد فرهنگ شورای فرهنگ عمومی کشور را شاید بتوان از آن خبرهایی دانست که در نگاه اول، صرفاً یک جابه‌جایی مدیریتی به نظر می‌رسند، حکمی در میان انبوه احکام و انتصاب‌هایی که هر روز در ساختار اداری کشور صادر می‌شود. اما اگر کمی از سطح خبر فاصله بگیریم و به مضمون آن نگاه کنیم، با یک کلمه مهم مواجه می‌شویم: «اقتصاد فرهنگ». کلمه‌ای که سال‌هاست درباره‌اش حرف می‌زنیم، اما هنوز نسبت روشنی با آن پیدا نکرده‌ایم.

واقعیت این است که مسأله فرهنگ در جامعه ما فقط کمبود نیست؛ مسأله، نداشتن نگاه اقتصادی به فرهنگ است. این دو البته یکی نیستند. بودجه، پولی است که از بیرون به فرهنگ تزریق می‌شود اما اقتصاد فرهنگ یعنی فرهنگ بتواند بخشی از ارزش خود را در مناسبات اقتصادی تولید، عرضه و بازنویس کند. یعنی کتاب فقط یک محصول فرهنگی نباشد، سینما فقط تولید فیلم نباشد، موسیقی فقط یک امر هنری نباشد و موزه صرفاً ساختمانی برای نگهداری اشیای تاریخی تلقی نشود. همه اینها می‌توانند بخشی از یک زنجیره ارزش باشند، زنجیره‌ای که هم به فرهنگ رونق می‌دهد و هم به اقتصاد.

در کشور ما اما هنوز میان «فرهنگ» و «بازار» نوعی سوء تفاهم تاریخی وجود دارد. گویی هر جا پای پول به میان می‌آید، اصالت فرهنگی تهدید می‌شود و هر جا سخن از فرهنگ است، اقتصاد باید عقب بنشیند. نتیجه چنین دوگانه‌ای روشن است. فرهنگ از اقتصاد فاصله می‌گیرد و اقتصاد هم از ظرفیت‌های عظیم فرهنگی کشور محروم می‌ماند.

اقتصاد فرهنگ قرار نیست فرهنگ را به لا تقلیل دهد. اتفاقاً برعکس، قرار است نشان دهد چگونه می‌توان ارزش فرهنگی را به ارزش اجتماعی و اقتصادی تبدیل کرد، بدون آنکه الزاماً ارزش فرهنگی قربانی شود. یک کتاب، یک فیلم، یک اثر موسیقایی، یک بنای تاریخی یا حتی یک آیین بومی، فقط یک «محصول» نیست، حامل معنا، حافظه، هویت و تجربه جمعی است. اقتصاد فرهنگ می‌تواند سازوکاری باشد برای اینکه این ارزش‌ها در جامعه گردش پیدا کنند و به فرصت‌های تازه شغلی، سرمایه‌گذاری و توسعه منجر شوند.

از همین منظر، میراث فرهنگی یکی از مهم‌ترین میدان‌های اقتصاد فرهنگ است. ایران کشوری پیستی برای تولید جاذبه فرهنگی نیازمند خلق چیزی از صفر باشد. مـا انبوهی از بناهای تاریخی، صنایع دستی، روایت‌های بومی، آیین‌ها، ادبیات، موسیقی و هنرهای سنتی داریم. مسأله این است که هنوز نتوانسته‌ایم بخش قابل توجهی از این سرمایه فرهنگی را به یک «صنعت فرهنگی» پویا تبدیل کنیم. میراث اگر فقط حفظ شود، بخشی از وظیفه خود را انجام داده‌ایم اما اگر بتواند در زندگی امروز مردم حضور پیدا کند، اشتغال ایجاد کند، گردشگر جذب کند، به تولید هنری و محتوایی منجر شود و برای جوامع محلی درآمد بسازد، آن وقت میراث به سرمایه زنده تبدیل شده است.

اقتصاد فرهنگ البته فقط مسأله دولت نیست. دولت باید سیاست‌گذار، تنظیم‌گر و تسهیلگر باشد اما نمی‌تواند به تنهایی بازار فرهنگ را بسازد. بخش خصوصی، پلتفرم‌ها، هنرمندان، ناشران، تهیه‌کنندگان، استارت‌آپ‌ها، گردشگران، دانشگاه‌ها و حتی مخاطبان باید در این چرخه حضور داشته باشند. یکی از مشکلات ما این است که در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی، هنوز از «مخاطب» بیشتر به عنوان مصرف‌کننده پارانه‌ای یاد می‌کنیم تا یک کنشگر اقتصادی و فرهنگی. اقتصاد فرهنگ، در نهایت، «اقتصاد اعتماد» هم هست. مخاطب زمانی برای فرهنگ پول می‌دهد که احساس کند چیزی باارزش دریافت می‌کند. سرمایه‌گذار زمانی وارد این حوزه می‌شود که افق روشن و قواعد نسبتاً پایاثی ببیند. هنرمند زمانی می‌تواند حرفه‌ای زندگی کند که درآمدش وابسته به مناسبات اجتماعی و حمایتی نباشد. بنابراین توسعه اقتصاد فرهنگ بدون اصلاح سازوکارهای تولید، توزیع، مالکیت فکری، تبلیغات، فروش و دسترسی به بازار ممکن نیست.

از این منظر، تشکیل و فعال شدن کمیته تخصصی اقتصاد فرهنگ می‌تواند فرصتی باشد برای عبور از شعار و رسیدن به سیاست‌گذاری مشخص. پرسش اصلی دیگر این نیست که «چرا فرهنگ پول ندارد؟» پرسش دقیق‌تر این است که چرا فرهنگی با این همه سرمایه نامدین، تاریخی و انسانی، سهم متناسبی از اقتصاد رسمی و خلاق کشور ندارد؟ در همین اساس می‌توان اهمیت این انتصاب را در همین مسأله دانست. اینکه اقتصاد فرهنگ از حاشیه‌گفت‌وگوهای فرهنگی به متن سیاست‌گذاری بیاید. فرهنگ اگر نتواند روی پای اقتصاد خود بایستد، دیر یا زود از نفس می‌افتد، نه به این دلیل که فرهنگ بی‌ارزش شده، بلکه چون تولید و تداوم فرهنگی هم به نیروی انسانی، سرمایه، بازار و امکان زیستن نیاز دارد. اقتصاد فرهنگ قرار نیست فرهنگ را بفرودش، قرار است کاری کند که فرهنگ بتواند زندگی کند.



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید